

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال چهل و هشتم، دوره جدید، سال چهارم
شماره چهارم (پیاپی ۱۶)، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۲-۱

مزارات بیلانکوه تبریز

حسین میرجعفری*

مهدی بزاز دستفروش**

چکیده

بیلانکوه یا ولیانکوی از محلات تاریخی شهر تبریز است. اشتها این محله به نام «بیلانکوه» را به وجود مدفن اکابر اولیاء و عرفای تبریز در آن منسوب می‌کنند. مزارات بیلانکوه همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند، مرقد و مزار بزرگانی چون: اخی سعدالدین (عارف نامدار قرن ششم هجری)، کمال الدین مسعود خجندی (شاعر و عارف قرن هشتم هجری) کمال الدین بهزاد هراتی (نگارگر بزرگ قرن دهم هجری) و جز آن در این محله واقع شده‌اند. در دوره ایلخانی، بنیانگذاری شهرک دانشگاهی ربیع رشیدی، توسط خواجه رشید الدین فضل الله همدانی بر اهمیت آن افزود و از این رو قرن هشتم هجری دوره رونق و شکوفایی بیلانکوه محسوب می‌شود. این منطقه از تبریز در ادوار بعدی نیز همواره مورد توجه بوده است. وجود آثار ارزشمند و متعدد مربوط به دوره های مختلف تاریخی نشان از اهمیت و جایگاه این محله تاریخی تبریز دارد. توجه و عنایت اکابر اولیاء و عرفا - به ویژه از قرن ششم هجری به بعد - به بیلانکوه، موجب شکل گیری زوایا و خانقاه ها و مقابر ایشان در این محله شده است؛ از این رو ارائه نتایج بررسی های میدانی درباره آثار و بقایای مقابر و مزارات بیلانکوه یکی از محور های این مقاله است.

واژه‌های کلیدی

تبریز، بیلانکوه، باغ کمال، روضات الجنان و جنات الجنان، باغمیشه، قله اخی سعدالدین.

* استاد تاریخ دانشگاه اصفهان

** کارشناس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی (نویسنده مسئول) valiankoy@yahoo.com

مقدمه

شهر تبریز در گذشته دارای چند گورستان تاریخی بوده است که از آن میان چهار گورستان: سرخاب، بیلانکوه، گجیل و چرنداب از بقیه شاخص‌تر بوده‌اند. گورستان سرخاب که به مقبره الشعراء تبریز نیز معروف است، مدفن جمع کثیری از شعرای ایران زمین از جمله: ظهیرالدین فاریابی، مجیرالدین بیلقانی، اسدی توسی، قطران تبریزی، همام تبریزی، مانی شیرازی، لسانی شیرازی و جز آن بوده است و مزارات گجیل بابا فرج گجیلی (تبریزی)، کمال الدین باکویی، خواجه محمدامین بلغاری، شیخ نجم الدین زرکوب و ... را در خود جای داده است (کرپلانی تبریزی، ۱۳۴۴: ۳۷۶). چرنداب آرامگاه جمع کثیری از دانشمندان، دیوان سالاران، فقها، اهل هنر و بزرگانی چون: قطب الدین شیرازی، قاضی بیضاوی، سلمان ساوجی، عبدا... صیرفی، علاءالدین عطاملک جوینی، خواجه شمس الدین محمد جوینی بود. بیلانکوه نیز مرقد و مزار اکابر اولیاء و عرفا و ارباب هنر را در خود جای داده بود. در نوشتار حاضر سعی بر آن است تا ضمن تبیین موقعیت و سابقه محله بیلانکوه، ابتدا حاصل پژوهش‌های کتابخانه‌ای در باب مزارات بیلانکوه و شرح مختصری از احوال افراد مدفون در آن مزارات ارائه گردد و سپس نتایج پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در خصوص آثار و بقایای موجود در بیلانکوه مورد بررسی قرار گیرد. عمده‌ترین فرضیات مطرح در این پژوهش عبارتند از: میان وجه تسمیه نام محله بیلانکوه و مزارت واقع در آن محله ارتباط وجود دارد. مزارات قله به عنوان زمینه ساز شکل‌گیری مزارات باغ کمال و عامل توجه اکابر و اولیاء به این محله در قرون ششم و هفتم نقش دارد. سوم آن که مسجد کنونی بیلانکوه در قله با خانقاه یا مقبره یکی از عرفای مدفون در مزارت قله احتمالاً مرتبط است.

حدود و موقعیت: بیلانکوه قدیمی‌ترین بخش محله باغمیشه تبریز است. باغمیشه از محلات شرقی تبریز و از شمال به کوههای سرخاب و از جنوب به قوری چای و از مشرق به قریه و باغات بارنج و از مغرب به محلات پل سنگی و سیلاب محدود است. در تداول مردم تبریز باغمیشه به معنی باغ و بیشه است که از وجود درختان انبوه در آن ناحیه حکایت می‌کند (مشکور، ۱۳۵۲: ۱۱۴).

باغمیشه از سه محله قله، سیابان (سیاوان) و بیلانکوه تشکیل شده است که در گذشته ای نه چندان دور مرکز اصلی این محلات بازارچه بیلانکوه بوده است (مشکور، ۱۳۵۲: ۱۱۵). البته امروزه با گسترش شهر و ایجاد خیابان‌های جدید بافت تاریخی این محله تاریخی برهم خورده است و تقسیمات فوق چندان ملموس نیست. آنچه که از منابع تاریخی بر می‌آید مبین سابقه، اهمیت و مرکزیت بیلانکوه در منطقه باغمیشه است. وجه تسمیه: بیلانکوه قسمتی از محله ای بزرگ‌تر به نام باغمیشه بوده است. البته سابقه اطلاق نام باغمیشه به منطقه ای متشکل از سه محله: قله، سیاوان و بیلانکوه به دوره قاجار برمی‌گردد، چرا که در منابعی چون: نزهة القلوب، دیوان کمال الدین مسعود خجندی، دیوان اوحدی مراغه ای (مربوط به قرن هشتم هجری قمری) و روضات الجنان و جنات الجنان مربوط به قرن دهم هجری قمری و ... به دفعات از این منطقه با نام بیلانکوه یاد شده است و تنها در منابع دوره قاجار از جمله: مرآت البلدان، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تاریخ اولاد الاطهار، منظر الاولیاء و جز آن است که نام باغمیشه به میان می‌آید. نوشته‌های مولف تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز نیز موید این مطلب است، نادر میرزا می‌نویسد: «باغمیشه را نیز کوچه و برزن‌هایی است نامدار. نام این کوی بزرگ باستانی نبود، به قرون نزدیک نهاده‌اند» (قاجار، ۱۳۷۳: ۸۵).

رشیدالدین طاب ثراه به موضع ولیانکوه داخل باروی غازانی شهرچه دیگر ساخته و ربع رشیدی نام کرده» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۷). وی در ذکر مقابر تبریز می‌نویسد: «و در آنجا مقابر به چند موضع متفرق است چون سرخاب و چرنداب و گجیل و شام و ولیانکوه و سیاران [سیاوان یا سیابان] و غیره و ذالک» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۹). اوحدی مراغه‌ای سخن سرای معاصر سلطان ابوسعید بهادر، در قطعه‌ای که ربع رشیدی تبریز را توصیف کرده است، از بیلانکوه با نام «بلیان کوه» یاد کرده است:

شد سعادت طلایه بر تبریز

تا فکندی تو سایه بر تبریز

از پی ضبط سفره و خوانت

تا مهیا شود سبک نانت

آسمان گشت و کوکی انبوه

آسیابان برآب «بلیان کوه»

(سجادی، ۱۳۵۵: ۵۵)

کمال الدین مسعود خجندی آن را «بهشت» لقب داده است:

زاهدان بهشت جو که کمال

«ولیان کوه» خواهد و تبریز

(خجندی، ۱۳۳۷: ۳)

مؤلف روضات الجنان می‌نویسد: «بدان که ولیانکوی جای مروح با صفا است و مسیرخوش طبعان و ظریفان از روی رغبت و رضا، حضرت شیخ کمال خجندی قدس سره جهت آن موضع فرموده:

از بهشت خدای عزوجل

تا به تبریز نیم فرسنگ است

و فی الواقع روضه است از بهشت و...» (کربلائی

تبریزی، ۱۳۴۴: ۲۹۶).

محمد کاظم تبریزی در آغاز گلزار سوم منظر الاولیاء

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مرآت البلدان و در ذکر نام محلات تبریز از این منطقه با نام باغمیشه یاد کرده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۶: ۵۵۱). نام بیلانکوه به صورت‌های مختلفی چون: ولیانکوی، ولیان کوه، بیلانکوه، بلیانکوه، ویلانکوه و بیلانکی در منابع ذکر شده است. در فرهنگ آندراج آمده است: نام کوهی است قریب به شهر تبریز که محله باغ بیشه که در معنی باغ و بیشه بوده در آنجا واقع است، گویند که از کثرت توقف اولیاء و فقرا، به فتح واو، ولیانکوه معروف شده و در رساله حشری، نام مقام بزرگان آن ولا، مسطور است و الله اعلم بالصواب (سجادی، ۱۳۵۵: ۱۱). محمد کاظم بن محمد تبریزی ملقب به «اسرار علیشاه» و مؤلف تذکره منظرالاولیاء در بیان وجه تسمیه بیلانکوه می‌نویسد: «وجه تسمیه‌اش را چند چیز نوشته‌اند اما آن که صحیح به نظر می‌آید آن است که در آن کوه ولی بسیار دفن شده لهذا به این اسم شهرت یافته است» (تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). مؤلف روضات الجنان می‌نویسد: از اسم سامی وی معلوم می‌شود که مسکن و مقام اولیاء بوده است و در آنجا مقبره‌ای است که مردم بسیار آنجا مدفونند (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۹۷).

محمد امین حشری تبریزی در روضه اطهار می‌نویسد: «قریب بدان موضع کوهی است، در آن کوه «ولی»

بسیار مدفون است و به قله اخی سعدالدین هم شهرت دارد. مشهور است که چهارصد و هشتاد ولی را در آن موضع دفن کرده‌اند و بدان وجه ولیانکوه اش گویند» (حشری، ۱۳۷۱: ۶۳). بیلانکوه در منابع تاریخی:

مؤلف نزهة القلوب در توصیف باروی غازانی تبریز می‌نویسد: «غازان آن را باروئی کشید چنان که تمامت

باغات و عمارات و دیه‌ها و ولیان کوه و سنجاران نیز داخل آن بارو بود» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۶). وی در

توصیف موقعیت ربع رشیدی نیز به نام ولیانکوه اشاره کرده است: «در بالای شهر وزیر سعید خواجه

می‌نویسد: ولیانکوه عبارت از تپه‌های بلندی است که در ما بین ششگلان و باغمیشه واقع شده است و از کثرت استعمال الان به «بیلانکو» شهرت دارد بعضی از بزرگان در مدح ولیانکوه اشعار آبدار دارند چنانچه جامی گفته:

همه مست از شراب مسند شوند

جامی هم از شراب ولیان کوه

مولف اخیر در ادامه به ذکر شعری از شاعر نامدار قرن هشتم هجری، عصار تبریزی می‌پردازد:

ولیان کوه کشور تبریز

معدن صدق هست و کان وفا

ای دو صد جان اندر او مخفی

ای دو صد روح اندر او پیدا

حیذا خاک ساکنان رهش

پاکبازند پاک از اهو

(تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

مولف منظر الاولیاء در آغاز گلزار پنجم نیز این ابیات را به نقل از یکی از فضیلات تبریز نقل کرده است:

ای مرغ بلند اوج کوه سرخاب

وی چار منار عشق را تیر شهاب

خواهی که به والیان کوهت ببرند

مگذر ز گجیل و روز چرنداب متاب

(تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

آثار و بناهای تاریخی بیلانکوه: موقعیت برجسته بیلانکوه در طول تاریخ موجب شکل‌گیری آثار و ابنیه ارزشمندی شده است که هر یک روایتگر دوره‌ای خاص از شکوه و رونق آن است. از میان آثار متعدد تاریخی که تا روزگار ما پا بر جا مانده می‌توان به محوطه تاریخی ربع رشیدی و آثار قلعه رشیدی، مسجد بیلانکوه، یخچال کلانتر، خانه کلانتر، آثاری از آسیابهای بیلانکوه، مزارات قله و مزارات باغ کمال اشاره کرد که دو مورد اخیر

موضوع اصلی نوشتار حاضر محسوب می‌شوند. مزارات بیلانکوه: از نظر موقعیت، مزارات بیلانکوه را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد، مزارت گورستان موسوم به «قله» و مزارات و مقابر واقع در «باغ کمال» هر چند این دو مکان در مجاورت هم و به فاصله‌ای اندک از هم قرار گرفته‌اند، لیکن به لحاظ قدمت مزارات باغ کمال متاخر تر از مقابر قله هستند.

گورستان قله: قسمتی از محله بیلانکوه در جنوب مهران رود، تپه‌ای تقریباً مستطیلی شکل است که از شرق به غرب کشیده شده و حدود ۹ متر ارتفاع دارد. طول این منطقه ۸۳۰ متر و عرض آن تقریباً ۱۸۰ متر است (تصویر شماره ۱).

این تپه منتهی‌الیه غربی ارتفاعات قسمت شرقی تبریز موسوم به ساری داغ (کوه زرد) محسوب می‌شود و علت نامگذاری آن به ساری داغ، رنگ زرد خاک این قسمت است (ساری در ترکی آذری به معنای زرد است). این نقطه از بیلانکوه بر تمام قسمت‌های محله مشرف و توسط باغات انبوه بیلانکوه محصور است از این رو از طراوت و آب و هوای ممتازی برخوردار است. ضمن آنکه شاخه اصلی رودخانه مهران رود که در میان ساکنان قدیمی بیلانکوه به «اسبریز» معروف است، در جانب شمالی قله جاریست. این قسمت از محله بیلانکوه که به اعتبار دفن اخی سعدالدین عارف بزرگ قرن ششم هجری، در متون و منابع تاریخی با نام قله اخی سعدالدین از آن یاد شده است به دلیل قرار داشتن مزار اکابر اولیاء و عرفای تبریز در آن، از دیرباز مورد احترام و توجه بوده است. محمد امین حشری در تذکره روضه اطهار می‌نویسد: «آن مکان فیض نشان که از کمال فیض و رفعت طعنه بر جنات عدن می‌زند به اسم شریف آن بزرگ شهرت یافته و آن محله را قله اخی سعدالدین گویند» (حشری، ۱۳۷۱: ۷۰).



تصویر شماره ۱ - عکس ماهواره ای از محل گورستان قله در بیلانکوه

یاد کرده، می نویسد: «وی از اکابر اولیاء بوده و مزارش را هیبتی و صلابتی است که کم مزاری را هست، اهل حال را فیوضات تمام از زیارت آن قدوه انام حاصل است» (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۹۷). کربلائی تبریزی به تاریخ وفات اخى سعد الدین و مضمون لوح مزار وی اشاره نکرده است اما حشری در تذکره خویش که منبعی متاخرتر نسبت به روضات الجنان محسوب می شود، ضمن اشاره به تاریخ وفات اخى سعد الدین، به نوشته های منقور بر لوح مزار وی نیز اشاره دارد: «هذا مرقد شیخ العارف الكامل مرشد الطریقه و الحقیقه و الیقین سعدالدین محمدبن ابی القاسم تبریزی توفی اول شهر رجب سنه سبعین و خمسمائه» (حشری، ۱۳۷۱: ۷۱). مزار میرزا اسکندر: کربلائی می نویسد: «مرقد و مزار آن سپهر سلطنت را اختر، میرزا اسکندر طاب مٹواہ در جنب مزار اخى سعدالدین رحمه ا... عمارتی است که بعد از

«بنا به وصیت آن جناب در قله ای به خاکش در سپردند از آن روز به بعد آن مکان با رفعت به اسم شریف او شهرت یافته آن محله را «قله اخى سعد» می گویند» (تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). اهمیت مزارات قله به حدی بوده است که تمام متون تاریخی نام گذاری محله بیلانکوه بدین نام را، ملهم از ارزش و اعتبار این مزارات قلمداد کرده اند و به طوری که پیش تر نیز در مبحث مربوط به وجه تسمیه بیلانکوه بدانها اشاره شد، حشری تبریزی در روضه اطهار، اسرار علیشاه در منظر الاولیاء و سلطان القرائی در حاشیه مربوط به ولیانکوی در روضات الجنان و جنات الجنان نام بیلانکوه یا ولیانکوی را الهام یافته از مزارات قله دانسته اند. مزار سعدالدین محمد بن ابی القاسم، مشهور به اخى سعد الدین: صاحب روضات الجنان از وی با عنوان «سیمرغ قله قاف تلوین و تمکین، اخى سعد الدین قدس ا... تعالی روحه و زاد لنا فتوحه»

دفن وی ساخته‌اند آنجا مدفونست. وی پسر قریوسف است؛ و این طبقه را قره قویلو می‌گویند» (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۹۸). وی که پس از درگذشت پدر در آذربایجان به قدرت رسیده بود، عاقبت به سال ۸۴۱ ه. ق در جنگ با برادرش جهانشاه بن قره یوسف و بدست پسرش شاه قباد در قلعه النجق کشته شد که وی نیز بعداً به دست عمویش جهانشاه به قتل رسید (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۹۸).

مزار پیر محمد، مشهور به پیر حلوینی: مولف کتاب روضات الجنان و جنات الجنان در باره پیر محمد می‌نویسد: «مرقد و مزار آن کاملان را اکمل و آن ماجدان را امجد، پیرمحمد رحمه الله هم در قله اخی سعد الدین نزدیک به مزار حضرت اخی. وی مشهور به پیر حلوینی است چنین استماع افتاده که وی از جمله هفتاد بابایان است که در یک زمان بوده‌اند و سرخیل آن جماعت حضرت باباحسن بوده قدس سره. می‌گویند که نوبه آن جماعت به دیدن پیرمحمد آمده بوده‌اند تا صحبت بدارند در موسم دی، با هم فرموده‌اند که تصرف پیر محمد را مشاهده کنیم از وی حلوینی تازه طلب کنیم بینیم چه می‌کند و چه می‌گوید، حضرات چون نشسته‌اند پیر بی طلب ایشان به باغ رفته، طبق حلوینی تازه چیده به حضور آن جماعت آورده همگان از تصرف وی محظوظ گشته‌اند، نام وی به پیرحلوینی مشهور شده» (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۴۹).

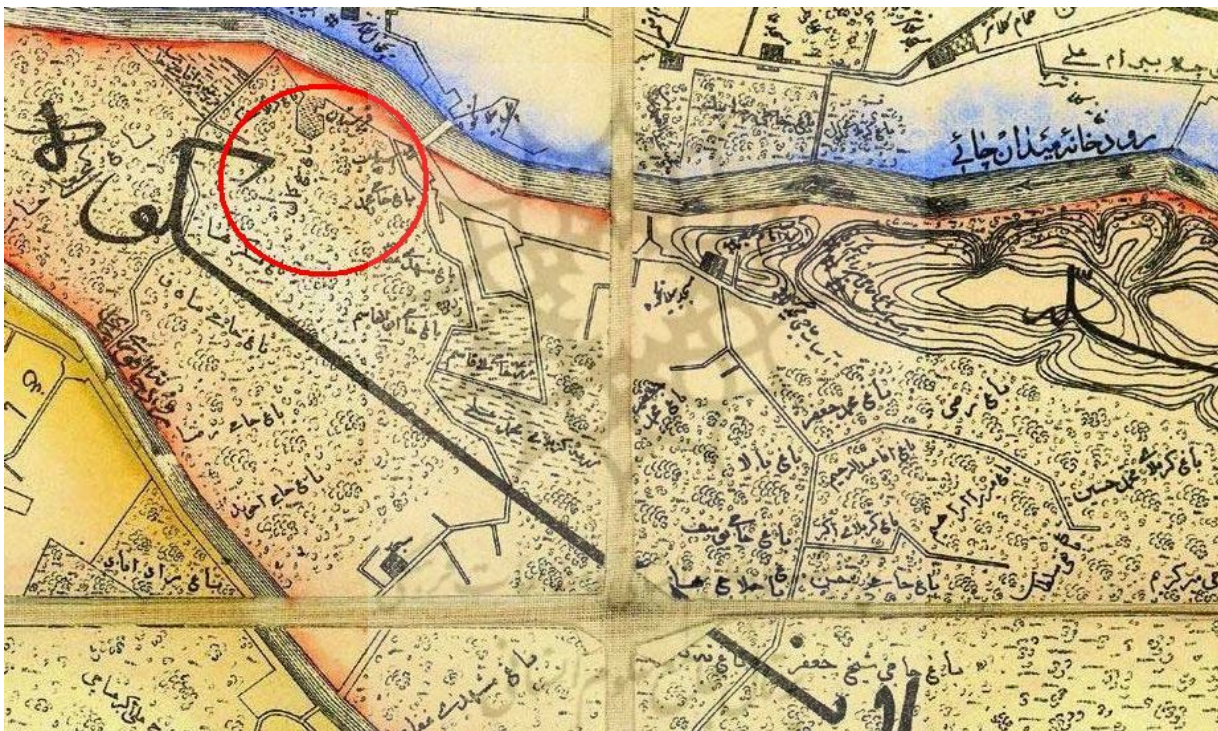
مزار بابا محمود (شیخ محمود مزدقانی؟): از دیگر بزرگان مدفون در قله بیلانکوه، بابا محمود است، نام این بزرگوار را حافظ حسین کربلائی در روضات الجنان و حشری به اقتباس از وی در روضه اطهار «بابا محمود» عنوان کرده‌اند و به اختصار به شرح احوالاتش پرداخته‌اند، اما محمد کاظم تبریزی در منظر الاولیاء نام وی را شیخ محمود مزدقانی ذکر کرده، اندکی بیش از دو مولف اخیر به حالات و تاریخ زندگانی وی پرداخته

است. مؤلف منظرالاولیاء ضمن اشاره به برخی کمالات وی، از ملاقات شیخ محمود با شاهرخ تیموری و شیخ صدرالدین فرزند شیخ صفی الدین اردبیلی با شیخ محمود مزدقانی در ولیان کوه تبریز خبر داده است و به واقعه وفات شیخ محمود مزدقانی به هنگام دیدار با شیخ صدرالدین در کنار پل بیلانکوه و در نهایت کفن و دفن شیخ محمود به دست صدرالدین در قله تبریز اشاره کرده، تاریخ وفاتش را دقیقاً ذکر نکرده و آن واقعه را در زمان اولاد قرا یوسف دانسته است (تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۲۱)، از سوی دیگر کربلائی تبریزی در روضات الجنان، وفات وی را در ایام سلطنت ارغون ثبت کرده است (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۵۰۰) به نظرمی رسد مولف منظر الاولیاء به اشتباه نام وی را شیخ محمود مزدقانی ذکر کرده است. مزار پیر آدینه: مولف روضه اطهار از بزرگی به نام پیرآدینه نام برده که در نزدیکی قله مدفون است، وی می‌نویسد: «مزار یکی از اهل الله در باغ کاولی در قرب قله واقع است، الحق مزار مروحی است و اسم آن بزرگ پیر آدینه است و الله اعلم» (حشری، ۱۳۷۱: ۷۲).

گورستان باغ کمال: باغ کمال در ساحل جنوبی مهران رود و در جانب غربی پل بیلانکوه قرار دارد. در روزگاران گذشته هر دو سوی مهران رود در محله بیلانکوه را باغات سرسبز و آباد احاطه شده بود. باغ کمال نیز از جمله همین باغ‌های حاشیه مهرانرود است. این باغ منسوب است به «کمال الدین مسعود خجندی» عارف و شاعر نامی قرن هشتم هجری، از این رو به نام «باغ کمال» اشتهار یافته است. کمال خجندی در شهر خجند به دنیا آمد، در جوانی به عزم زیارت کعبه از خجند خارج شد، پس از زیارت خانه خدا در بازگشت چون تبریز را مناسب طبع خود دید، قصد اقامت کرد. سلطان حسین جلایر او را به گرمی پذیرفت و دستور داد تا خانقاهی با باغی بزرگ برایش ساختند و موقوفات زیادی را برای این خانقاه اختصاص داد و از آن زمان باغ مذکور به باغ کمال

چنین برمی آید که این دو از ادیبان و در زمره شعرای روزگار خویش بوده‌اند. منابع تاریخی دوره قاجار درباره باغ کمال اطلاعات چندانی به دست نمی‌دهند. تنها در منظر الاولیاء به مدفن کمال در ولیانکوه اشاره شده است. در نقشه موسوم به «نقشه دارالسلطنه تبریز» که به سال ۱۲۹۷ هـ. ق ترسیم یافته، محل باغ کمال و مقبره آن با عنوان قبرستان و باغ شیخ کمال مشخص گردیده است. (تصویر شماره ۲)

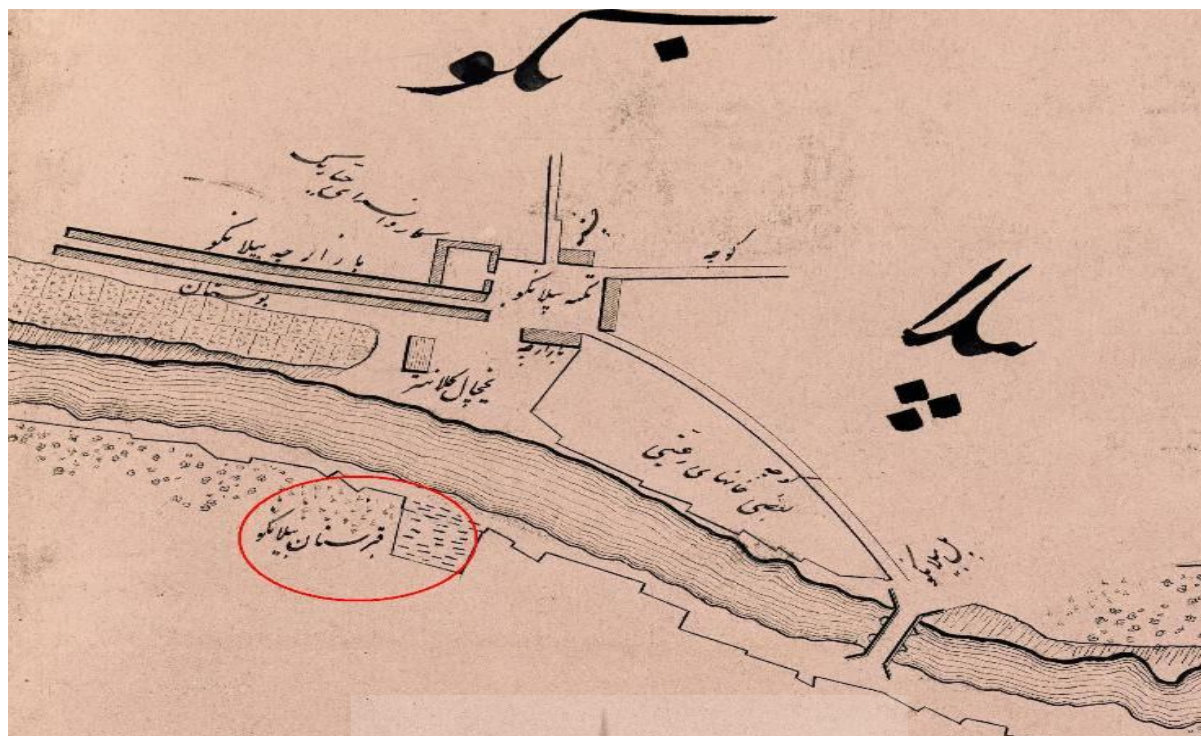
شهرت یافت. پس از خاکسپاری کمال خجندی در زاویه باغ کمال افراد دیگری چون: کمال الدین بهزاد و سلطان محمد نقاش، سلطان محمود مجلد، مولانا طوسی و مشربی شروانی در این مقبره دفن شدند و به نظر می‌رسد به غیر از این افراد بزرگان دیگری نیز در جوار تربت کمال خجندی مدفون بوده‌اند، لیکن اطلاعاتی از نام و نشان آن‌ها در دست نداریم. از میان نام‌هایی نیز که حافظ حسین و حشری ذکر کرده‌اند علی رغم مراجعه به منابع مختلف، اطلاعاتی از مولانا طوسی و مولانا مشربی شروانی به دست نیامد البته از نوشته‌های حافظ حسین



تصویر شماره ۲ - موقعیت محله بیلانکوه و باغ کمال روی نقشه دارالسلطنه تبریز ترسیم سال ۱۲۹۷ هجری.

خاطره‌ها محو نشده ولی باغ کمال به گورستانی عمومی شده است. (تصویر شماره ۳)

در نقشه موسوم به «سیل تبریز» نیز که در سال ۱۲۸۸ هـ. ق رسم شده است، این محل با نام قبرستان بیلانکوه نشان داده شده است، از این رو به نظر می‌رسد در دوره قاجار با آنکه هنوز نام «کمال» از



تصویر شماره ۳ - نقشه موسوم به سیل تبریز که در سال ۱۲۸۸ هـ ق رسم شده است.

اندیشه بود که کشف قبر کمال دست کمی از تصحیح و نشر دیوان وی ندارد. زنده یاد دولت آبادی در سال ۱۳۴۰ موضوع را پیگیری کرد و در صدد کاوش اطراف این سنگ سیاه برآمد، زمانی که خاک‌های اطراف سنگ مذکور کنار زده شد چهارطاقی سرداب گونه‌ای با سقفی ضربی به شیوه ایلخانی نمایان شد و بدین ترتیب، مقبره یا همان خانقاه کمال الدین مسعود خجندی در قبرستان متروک شیخ کمال بیلانکوه از زیر خاک سر بر آورد. تقریباً یک دهه بعد و در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳، انجمن آثار ملی با پاکسازی محوطه باغ کمال، ساختمان مقبره را تعمیر و دو سنگ قبر صندوقی شکل بر روی مزار کمال خجندی و کمال الدین بهزاد نصب نمود، همچنین با ایجاد فضای سبز در محوطه مقبره سر و سامانی نسبی به آن داد، سنگ نبشته‌ای نیز متضمن اقدامات انجام شده در محوطه مقبره نصب گردید. این سنگ نبشته که اولین یادمان نصب شده در باغ کمال محسوب می‌شود پس از مرمت مقبره و احداث گنبد آن به داخل مقبره منتقل و بر روی دیوار ضلع جنوبی آن نصب گردیده است. (تصویر شماره ۴)

باغ کمال در سال‌های پایانی دهه چهل شمسی، گورستانی متروک با قبور مندرس بود. عبدالعلی کارنگ می‌نویسد: در سال ۱۳۳۷ شمسی آقای عزیز دولت آبادی شاعر و نویسنده معاصر تبریزی، دیوان کمال خجندی را تصحیح و آماده چاپ نمود، در پی یافتن قبر کمال بود که در مقدمه دیوان بدان اشارتی بکند، در محله‌های ولیانکوی، باغمیشه، قله (قله اخی سعدالدین) و دمشقیه به جستجو پرداخت تا سرانجام در محله بیلانکوه تبریز باغی یافت بنام «باغ کمال» و گورستانی با قبرهای متروک و مندرس در کنار آن، معروف به «گورستان کمال» در وسط گورستان تخته سنگ سیاه بزرگی را بر روی پشته‌ای از خاک نهاد بودند و می‌گفتند اینجا قبر کمال است. آقای دولت آبادی در تذکره‌ها خوانده بود که بر لوح مزار کمال بیت ذیل حک شده است:

کمال از کعبه رفتی بر در یسار

یسار هزارات آفرین مردانه رفتی

اما اثری از آن پیدا نبود، ناچار کتاب خود (دیوان تصحیح شده کمال خجندی) را به چاپ رساند، اما همیشه در این



تصویر شماره ۴ - باغ کمال در دهه ۵۰ شمسی

است. این گنبد آجری مخروطی شکل در سال ۱۳۶۷ توسط سازمان میراث فرهنگی اجرا شده است و متاخر بودن آن در مقایسه با ساختمان مقبره کاملاً مشهود است. علاوه بر نحوه معماری و جزئیات اجرایی و نوع و اندازه مصالح بکار برده شده سنگی و آجری در بنای مقبره، نحوه پوشش تاق و سازه بنا، با بناهای اجرا شده از این نوع در قرن هشتم و نهم هجری همخوانی دارد. حضور مقبره‌ها و سرداب مقبره‌های عرفا و مریدانشان در خانقاه‌های آذربایجان از قرن هشتم تا دهم هجری بسیار عادی و تقریباً همیشگی بوده است. وجود روزن در این بنا همانند دیگر سرداب مقبره‌ها نشانگر وجود بخشی از بنا (طبقه فوقانی سرداب) بالاتر از کف زمین است. علاوه بر نشانه‌های موجود کالبدی بنا و بررسی‌های تطبیقی، اشارات حافظ حسین به وجود زاویه (خانقاه) کمال در بیلانکوه و نیز اشاره مستقیم کمال خجندی به این موضوع در بیت :

سازمان میراث فرهنگی با توجه به اهمیت این اثر تاریخی، پس از انجام مرمت‌های لازم در ساختمان مقبره و ساماندهی محوطه، در سال ۱۳۷۷ آن را تحت شماره ۲۰۵۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسانید. پس از تملک و آزادسازی املاک پیرامون این مجموعه، هم‌اینک طرح توسعه باغ کمال توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی در حال انجام است. (تصویر شماره ۵)

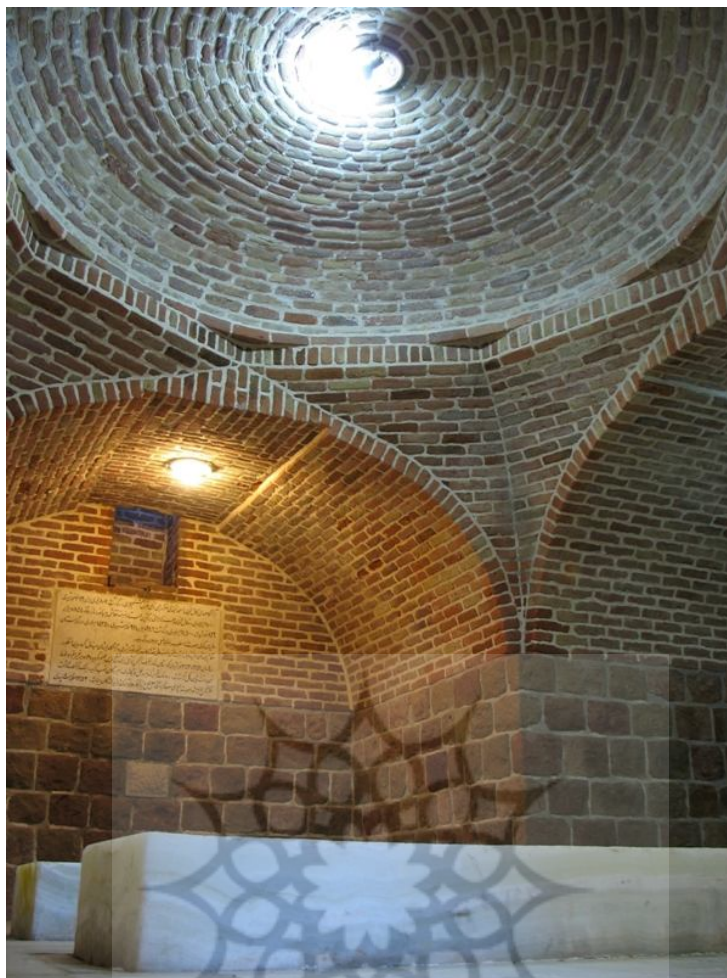
ویژگی‌های معماری بنای مقبره باغ کمال: این بنا در اصل یک «سرداب مقبره» محسوب می‌شود. سرداب مقبره باغ کمال دارای پلانی چلیپایی است که چهار تویزه اصلی آن با قوس کلیل اجرا شده است و تاق میانی آن دارای قوس بسیار کمی است. این نکته بیانگر وجود بنایی بر روی سرداب مقبره فعلی در گذشته است. البته پوسته گنبدی که روی آن اجرا شده، جدید



تصویر شماره ۵ - باغ کمال در سال ۱۳۹۲

درب ورودی مقبره) مزار کمال الدین بهزاد و دیگری آرامگاه کمال خجندی است. سنگ قبرهای صندوقی شکل که در سال ۱۳۵۲ بر روی مزار این دو بزرگوار نصب شده بود، با سنگ قبرهای مرمرین فعلی تعویض شده است. از نظر تزئینات معماری، مقبره باغ کمال از تزئینات خاصی برخوردار نیست. با این وجود بررسی خانقاه‌های عرفا در قرون هشتم و نهم هجری نشان می‌دهد تزئینات بکار رفته در این بناها عمدتاً شامل کاشی لعاب دار و مهرهای گچی در نمای بیرونی و گچ بری در نمای داخلی بوده است. با توجه به این موضوع به نظر می‌رسد خانقاه کمال خجندی نیز که به احتمال قریب به یقین در قسمت فوقانی سرداب مقبره فعلی قرار داشته، دارای تزئیناتی از این دست بوده، به مرور زمان تخریب شده است و از بین رفته است که احتمال می‌رود در صورت گمانه زنی در محوطه مقبره و انجام عملیات پی گردی در اطراف سازه موجود بتوان به بقایایی از این تزئینات دست یافت. (تصویر شماره ۶)

«گر گوشه ای بسازد سلطان حسین ما را درقلب شهر نبود، کس را به ما نزاعی»
طرح درخواست ساختن زاویه (گوشه) از سلطان حسین جلایری در خارج از شهر تبریز در آن دوره، این احتمال را مطرح می‌سازد که زاویه (گوشه یا همان خانقاه) کمال الدین مسعود خجندی در باغ کمال بیلانکوه، بنایی بوده که بر روی سرداب مقبره فعلی قرار داشته است و به مرور زمان تخریب شده، از بین رفته است. بنای فعلی مقبره در زمینی به مساحت تقریبی ۸۴ متر مربع احداث شده است. ورود به داخل مقبره از ضلع شمالی آن و با پایین رفتن از ۱۳ پله میسر است. پس از ورود به داخل مقبره با فضایی هشت ضلعی که دارای قاعده ای چلیپایی است، روبرو می‌شویم که حدود ۳۰ مترمربع مساحت دارد، ارتفاع آن از کف مقبره تا سقف (تاق زیر گنبد) ۳/۱۵ متر و قطر تاق میانی مقبره (سقف) ۳/۱۰ متر مربع می‌باشد و دیوارهای مقبره با استفاده از آجر و سنگ اجرا شده است. درون مقبره دو سنگ قبر مرمرین وجود دارد. اولین قبر (از سمت



تصویر شماره ۶ - نمای داخلی مقبره باغ کمال

که اگر صد سال نیز نداشته باشد بیش از ۸۰ سال عمر کرده است بدین ترتیب احتمال می‌رود که کمال در ربع اول قرن هشتم هجری در خجند تولد یافته باشد.

وی در عنفوان جوانی یعنی اواسط قرن هشتم هجری خجند را به قصد زیارت مکه معظمه ترک گفت. هنگام مراجعت گذرش به تبریز افتاد و به جهت سازگاری آب و هوا در آنجا اقامت گزید و طرف توجه سلطان حسین بن سلطان اویس جلایری (۷۸۴-۷۷۶ ه. ق) قرا گرفت و همین شهریار برای وی در ولیانکوی باغی اهداء کرد و خانقاهی ساخت. کمال از فرط علاقه این باغ مشجر را که در نیم فرسخی تبریز قرار داشت بهشت نام کرده بود و می‌فرمود:

از بهشت خدای عزوجل

مزار شیخ کمال الدین مسعود خجندی: کمال الدین مسعود معروف به شیخ کمال متخلص به کمال از اکابر متصوفه و عرفای قرن هشتم هجری است. در هیچ یک از منابع به تاریخ تولد وی اشاره نشده است. ظاهراً شاعر عمری دراز یافته و به پیری رسیده است چنانکه فرماید: من به هوای قامت عمر دراز یافتم

زانکه همیشه کرده‌ام کسب هوای معتدل و در جایی دیگر خود را صد ساله می‌شمارد و می‌گوید:

چو دیدم قبله روی تو، صدساله نماز خود خود به محراب دو ابرویت قضا کردم، قضا کردم

از این اشارات می‌توان وی را به سال ۸۰۳ هـ. ق (تاریخ وفات) پیرمردی که عمر دراز یافته در نظر مجسم ساخت

تا به تبریز نیم فرسنگ است
دیگر :

زاهدا بهشت جو که کمال

ولیانکوی خواهد و تبریز

تاریخ فوت او که در تذکره‌ها به اختلاف قید شده است، بدین قرار است : در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی، آتشکده آذر، ریاض العارفین، ریاض الجنه و قاموس الاعلام سال ۷۹۲ هـ. ق به عنوان تاریخ فوت کمال ذکر شده است. در مجمع الفصحا سال ۷۹۳ هـ ق و در نفحات الانس جامی، حبیب السیر، ریاض العارفین، اولاد الاطهار، طرائق الحقایق، روضات الجنان و جنات الجنان و سامی الاسامی (روضه اطهار) ملا محمد امین حسری، سال ۸۰۳ هـ. ق ثبت شده است.

مؤلف مجالس العشاق نیز سال ۸۰۸ هـ. ق را سال وفات کمال دانسته است. احتمال می‌رود حق به جانب آن دسته از تذکره نویسانی باشد که قول جامی را قید کرده‌اند چون علاوه بر آنچه که ذکر شد، ریحانه الادب دو جمله (زهی آفتاب بدر کمال - ۸۰۳) و (منبع حسن ماهتاب جمال - ۸۰۳) را ماده تاریخ قید می‌کند و سامی الاسامی و اولاد الاطهار قطعه زیر را که خواجه عبدالرحیم خلوتی (متوفی به سال ۸۵۹ هـ. ق) در تاریخ مرگ او سروده است، شاهد می‌آورند :

عارف حق شناس شیخ کمال

که جهان را به شعر تر بگرفت

تا سخن از دهن بـرون افتاد

کس سخن مثل آن بزرگ نگفت

هشتصد و سه گذشت کان خورشید

همچو مه در سحاب غیب نهفت

بالتیجه او در تاریخ ۸۰۳ وفات یافته است.

مدفن او : همه تذکره‌ها قبر وی را در تبریز قید کرده‌اند مگر آتشکده که می‌نویسد در یزد وفات کرده است، در

سامی الاسامی مذکور است که پس از نماز ورد می‌خواند و تا لفظ (حسبنا الله عند اللقاء) بر زبانش رفت به عالم بقا شتافت و او را در باغ مشجری که (بهشت) نامش کرده بود، دفن کردند این باغ در ولیانکوه واقع است که در نیم فرسنگی تبریز قرار گرفته و خود گوید :

از بهشت خدای عزوجل

تا به تبریز نیم فرسنگ است

صاحب روضات الجنان می‌نویسد : «شیخ در ولیانکوه خلوت کرده بود و مریدی هرشب به وی آب می‌برده و یک شب آب برده، دید که شیخ بدین شعر مترنم است با صبح بگوئید که بی وقت مـزن دم

امشب شب وصلست نگهدار نفس را

چون دید کمال آن سرکو ترک وطن کرد

بلبل چو چمن دید رها کرد قفس را

چون صباح گشته حضرت شیخ به طریق معهود بیرون نیامده، سراغش رفتند و دیدند خشتی زیر سر نهاده و روی به قبله آورده از مرجع خاک به عالم پاک انتقال نموده‌اند، اهل تبریز را چون خبر شد، همه از سر، پا کرده و متوجه زاویه متبرکه ایشان شده به خاطر بعضی از اعزه این خطور کرده که نعش مبارک ایشان را نقل خطیره مقدسه حضرت بابا مزید نمایند، چون خواستند که آنجا برند تابوت شکسته مکرر این صورت واقع شد بالاخره از کرامات وی همچنانکه در حال حیات توجه تام به این مقام داشته در حال ممات نیز نمی‌خواهد که جای دیگر رود و در همانجا مدفونش کردند به سال ۸۰۳ هـ. ق واقع گشت» (دولت آبادی، ۱۳۳۷ : مقدمه).

مؤلف روضات الجنان در روضه پنجم کتابش می‌نویسد: «مرقد و مزار آن وارسته از قید چونی و چندی، حضرت شیخ کمال خجندی قدس الله تعالی سره در ولیانکوی معروف و مشهور است. صیت و

مشربی شروانی و استاد بهزاد نقاش و استادسلطان محمود مجلد که این هر دو در فن کار و بار خود قرینه نداشتند» (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۵۱۱).

مزار نظام الدین سلطان محمد نقاش: اطلاعات منابع درباره زندگی سلطان محمد مختصر، موجز و بیشتر با اوصاف همراه است. نخستین اطلاع از سلطان محمد را دوست محمد گواشانی (متوفای حدود ۹۷۲ ه. ق) در دیباچه معروف خود که در سال ۹۵۱ ه. ق برای مرقع بهرام میرزا نوشته عرضه کرده است. وی می‌نویسد: اول نادر العصر فی دوران و فریدالاولان فی الزمان المحتاج به لطف الصمد، استاد نظام الدین سلطان محمد که تصویر را به جایی رسانیده که با وجود هزار دیده، فلک مثلش ندیده...» بوداق منشی قزوینی که جواهر الاخبار خود را با وقایع سال ۹۴۸ ه. ق به پایان می‌برد، در صحبت از دوران کودکی شاه تهماسب و معلمان او می‌نویسد: «معلمان جهت رسوم و آداب کمر تعلیم بر میان بستند. آن پادشاه در عنفوان جوانی به کسب قابلیت اقدام نمود. در اندک زمانی، جمیع فضایل شرعی و عرفیه کسب کرد و به خط نوشتن و تصویر میل تمام داشت. استادان عدیل المثل، که هریک در فن خود یکتای بی همتا بودند، آوردند، از خوشنویسان، ملا عبدی نیشابوری و استاد شاه محمود نیشابوری و ملا رستم علی هروی، از نقاشان، استاد سلطان محمد مصور و استاد بهزاد مصور و استاد میرک اصفهانی و میر مصور و دوست محمد دیوانه. پادشاه را بدین طایفه توجه و التفات تمام بود» سال درگذشت سلطان محمد در ابهام است ولی از رقم نگاره های او در خمسه نظامی (سال های ۹۴۹ - ۹۴۶ ه. ق) پیداست که وی تا نیمه اول دهه ۹۵۰ ه. ق زنده بوده است. از سوی دیگر، دوست محمد گواشانی از کارکنان کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی شاه تهماسب که در این کتابخانه به کتابت

کمال وی از قاف تا قاف عالم را فرا گرفته اگر چه بعضی وی را از زمره شعرا دانند فاما کمال و بزرگی و یگانگی وی زیاده از طریق شعر و شاعری است. چنانچه مولانا جامی در نفحات آورده که اشتغال وی به شعر و تکلف در آن ستر حال و تلبیس را بوده باشد بلکه می‌شاید که برای آن بوده باشد که ظاهر مغلوب باطن نشود و از رعایت صورت عبودیت باز نماند (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۵۰۰)

مزار کمال الدین بهزاد: کمال الدین بهزاد در حدود سال ۸۷۰ ه. ق در شهر هرات دیده به جهان گشود، در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و امیر روح الله نامی که گویا از خویشان او بوده سرپرستی اش را به عهده گرفت. امیر روح الله معروف به میرک هروی نقاشی چیره دست و عهده دار سمت کتابداری دربار سلطان حسین بایقرا بود و بهزاد الفبای نگارگری را از وی آموخت. البته از پیرسید احمد تبریزی نیز به عنوان مربی بهزاد در فن نگارگری یاد کرده‌اند (عالی افندی، ۱۳۶۱: ۱۰۴). بهزاد چندین سال در دربار تیموری مشغول کار بود تا آنکه در سال ۹۱۳ ه. ق ازبکان به سرکردگی محمدخان شیبانی بر هرات مسلط شده، حدود سه سال بر آن فرمان راندند، در طی این مدت استاد در خدمت خان ازبک بود. با فتح هرات توسط شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۶ ه. ق بهزاد به تبریز منتقل و وارد دربار صفوی شد. کمال الدین بهزاد در سال ۹۴۲ ه. ق در گذشت و در جوار مزار کمال خجندی در باغ کمال به خاک سپرده شد. حافظ حسین کربلایی که ۳۳ سال پس از وفات بهزاد به تالیف کتاب گرانقدر روضات الجنان (در باب مقابر و مزارات تبریز) دست یازیده است، در روضه پنجم کتاب خویش و در پایان مطالبی که در باره کمال خجندی به رشته تحریر کشیده، می‌نویسد: «در حوالی ایشان [کمال خجندی] بعضی از ارباب سخن و اصحاب هنر مدفونند مثل مولانا طوسی شاعر و مولانا

و آثار بی بدیلی در این عرصه شکل می‌گیرند. در تذکره روضات الجنان، مؤلف بنا به مناسبتی از هنرمندی نام برده که متأسفانه در باره او فقط همین یک نام را می‌دانیم و بس. صاحب روضات الجنان در بخشی از این کتاب و در باب مزارات واقع در باغ کمال تبریز و بزرگان به خاک سپرده شده در جوار شیخ کمال الدین مسعود خجندی می‌نویسد: در حوالی ایشان بعضی از ارباب سخن و اصحاب هنر مدفونند، مثل مولانا طوسی شاعر و مولانا علی مشربی شروانی و استاد بهزاد نقاش و استاد سلطان محمود مجلد که این هر دو در فن و کار و بار خود قرینه نداشتند» (کربلائی تبریزی، ۱۳۴۴: ۵۱۱). در سالهایی که تبریز تخته‌گاه شاهان صفوی بود، به برکت حضور هنرمندان بی‌همتایی همچون کمال الدین بهزاد، سلطان محمد نقاش و ... در سایه حمایت‌های پادشاهان صفوی، هنر کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی در این شهر و در کتابخانه دربار صفوی رونقی تمام داشت از این رو به نظر می‌رسد استاد سلطان محمود مجلد نیز در زمره این هنرمندان گرد آمده در کتابخانه دربار صفوی تبریز بوده است و در خلق شاهکارهای هنری آن روزگار با این هنرمندان همکاری داشته است. البته دکتر مهدی بیانی در کتاب کتابشناسی کتابهای خطی، محمود مجلد را از هنرمندان دربار سلطان یعقوب آق قویونلو دانسته است (بیانی، ۱۳۵۳: ۴۰).

مزارات مولانا طوسی شاعر و مولانا علی مشربی شروانی: چنان که پیش‌تر اشاره شد مؤلف روضات الجنان در بیان مزارات و مقابر موجود در جوار مقبره کمال خجندی از دو تن بنام‌های: مولانا طوسی شاعر و مولانا علی مشربی شروانی یاد کرده که اطلاعاتی در مورد ایشان از منابع تاریخی به دست نیامد.

اشتغال داشته است و با بیشتر هنرمندان مکتب تبریز، به خصوص سلطان محمد از نزدیک آشنا بوده است، در دیباچه ای که برای مرقع بهرام میرزا نگاشته است، از سلطان محمد و مهارت وی در فن تصویرسازی سخن به میان آورده است. باتوجه به اینکه سال نگارش دیباچه دوست محمد ۹۵۱ ه. ق است. پس احتمالاً زمانی که او مشغول نگارش دیباچه خود بوده، سلطان محمد همچنان زنده بوده است (آزند، ۱۳۸۴: ۱۸). محمد امین حسری در روضه اطهار می‌نویسد که سلطان محمد پس از درگذشت در تبریز در باغ کمال، در کنار کمال خجندی و کمال الدین بهزاد به خاک سپرده شد. اینکه حافظ حسین کربلائی مؤلف روضات الجنان، در توصیف مزارات واقع در بیلانکوه و باغ کمال نامی از سلطان محمد به میان نیاورده است و ۳۶ سال بعد از تالیف روضات الجنان و جنات الجنان، ملا محمد امین حسری، در روضه اطهار از سلطان محمد نقاش نیز به عنوان یکی از بزرگان مدفون در باغ کمال یاد کرده، می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد که شاید در زمان تالیف روضات الجنان (۹۷۵ ه. ق) نظام الدین سلطان محمد نقاش در قید حیات بوده است. حسری در بیان مزارات واقع در باغ کمال می‌نویسد: «مولانا طوسی و مشربی شروانی و استاد سلطان محمود مجلد که هریک در فن خود یگانه آفاق بوده‌اند در آن مزار مدفونند. همچنین استاد سلطان محمد نقاش که در تصویر، استاد شاه جنت بارگاه شاه تهماسب حسینی صفوی است. وی و استاد بهزاد هر دو ملازم کتابخانه شاهی بوده‌اند و مواجب هر دو مساوی بوده و هریک وحید زمان و شهره جهان بوده‌اند» (حسری، ۱۳۷۱: ۶۸).

مزار سلطان محمود مجلد: عصر صفویه، دوران شکوفایی هنر در ایران است. در این میان جلدسازی نیز همپای سایر رشته‌ها مجالی برای درخشش می‌یابد

بررسی آثار و بقایای مزارات بیلانکوه

در بررسی‌های میدانی صورت گرفته در نقاط مختلف محله بیلانکوه آثاری از این سنگ مزارات بدست آمد که بنابر شواهد موجود در انتساب آنها به مزارات بیلانکوه شبیه ای نیست. سنگ مزارات موجود در پایه‌های پل بیلانکوه و پل کوچک واقع در ضلع شمال غربی قلعه و سه قطعه سنگ قبر متفرق در کوچه‌های اطراف محل سابق گورستان قلعه از آن جمله‌اند. (تصویر شماره ۷)

از میان مزارات بزرگان مدفون در بیلانکوه تنها محل مقبره باغ کمال است که حدود و موقعیت آن دقیقاً مشخص است و این به دلیل پا برجا بودن سردابه خانقاه کمال خجندی در باغ کمال است. البته در این مقبره نیز اثری از سنگ مزار کمال و دیگر بزرگان نیست. سنگ مزارات قلعه نیز در زمان تخریب و تسطیح مقابر آن در دهه ۲۰ (حدود ۷۰ سال پیش) پراکنده و یا از بین رفته‌اند. عرصه گورستان قلعه نیز اینک به فضای سبز و پارک تبدیل شده است.



تصویر شماره ۷ - سنگ مزارات بیلانکوه در پایه پل بیلانکوه

هستند. کتیبه سنگ قبر مذکور نیز متأسفانه به دلیل فرسودگی ناخواناست و فقط عبارات: هذّه روضه ... و سنه ... سبعة مائه قابل قرائت است. (تصویر شماره ۸)

در پایه‌های پل بیلانکوه که به فاصله اندکی از باغ کمال قرار دارد، حدود ۴۰ سنگ قبر صندوقی شکل سیاه رنگ قرار داده شده است. ابعاد این سنگ قبرها متفاوت است و به جز یک مورد بقیه فاقد هرگونه کتیبه



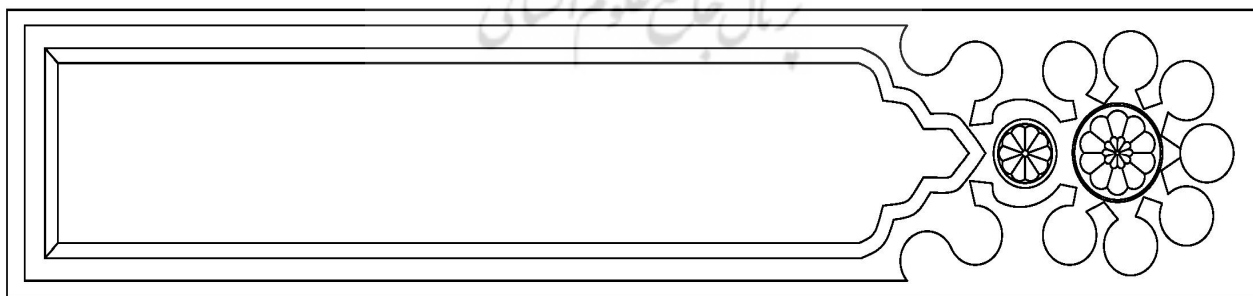
تصویر شماره ۸ - سنگ مزارات بیلانکوه در پایه پل بیلانکوه

فوقانی سنگ مزار صندوقی شکل بود اما کم نقش محرابی شکل، کلیت نمای فوقانی سنگ را در بر گرفت و استفاده از گل نیلوفر و... که اکثراً تبدیل به اشکال هندسی شده است، مورد توجه واقع شد. سنگ قبرهای برجای مانده از مزارات بیلانکوه نیز از این نوع محسوب می‌شوند و بر روی آن‌ها نقوش محرابی و یا تلفیقی از نقوش محرابی و گل نیلوفر حک شده است.

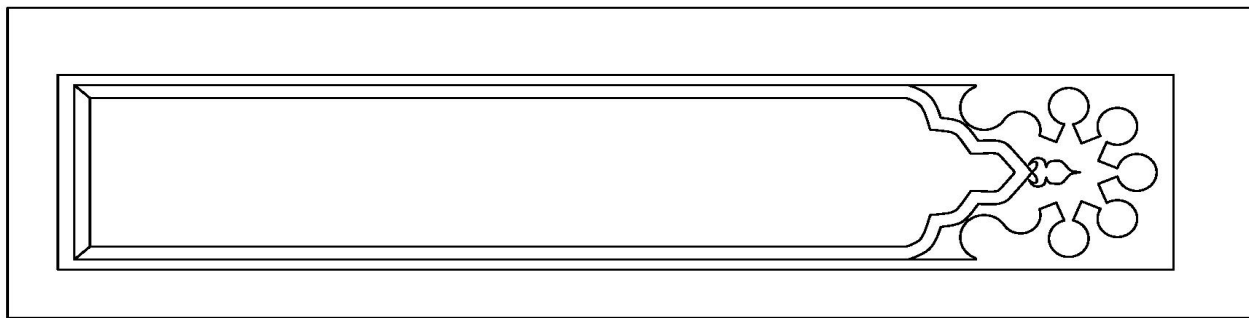
(شکل‌های ۱ و ۲)

سنگ قبرهای صندوقی شکل در محدوده شهر تبریز از اوایل قرن هشتم بیشتر مورد استفاده قرار گرفته اند که معمولاً با سنگ سیاه گرانیتی ساخته می‌شدند. در برخی از این سنگ‌ها از سنگ لوح به صورت استقرار عمودی روی سنگ اصلی نیز استفاده می‌شده تا توضیحات لازم را روی آن نگاشته شود، در غیر این صورت علاوه بر عبارات رایج قرآنی و احادیث، سایر توضیحات در لبه خارجی دور تا دور سنگ مزار نقش می‌یست.

نقوش بکار رفته در سنگ قبرهای صندوقی شکل در اوایل، شامل دو جفت مستطیل ساده بر روی نمای



شکل شماره ۱ - طرحی از سنگ مزارات شاخص بیلانکوه



شکل شماره ۲ - طرحی از سنگ مزارات شاخص بیلانکوه

ورودی مسجد دو قطعه سنگ نبشته مرمری نصب شده است. یکی از این کتیبه‌ها وقفنامه ای به خط ثلث است. این سنگ نبشته ۶۰ سانتیمتر ارتفاع و ۷۵ سانتی متر عرض دارد، متن در شش سطر نگاشته شده و به دلیل شکسته شدن قسمتهایی از سنگ، بخشی از متن وقفنامه مخدوش شده و ناخواناست. متن وقفنامه به شرح زیر است :

الاملاک التي وقفها الخاتون المعظمه قزلب...اکی انشاتها بمالها و جازلها المصبغه الكائنه داخل

مدینه تبریز به باب نهادمهین فی محله سلا...ن سوی القطعتین الکایتین فیها موقوفتان علی جهة معینه

و جمیع عماره الحانوت الداقی المتصل بالمصبغه المدوه و ثلث تام شایع من جمیع القریه المدذعوه ملاطیان و جمیع عماره

الحانوت الطباخی و الجوسق العلیه و بیت اللو من نصف تام من القطعه من الارض المشتمله علی اربعه و عشرين ذراع مکنه

الدخله فی ارض گوشت خانه و جمیع الخان الذی فی انکش فی کاهبازار و جمیعا لطاحونین المعروفین بزرادایوان

قریه سنجان مع الارض المتصله بها و جمیع الارض الساحه الكائنه داخل تبریز به قریب الزاویه المذكوره

تغی [ی] ر و تبدیل کند [آ] مین یارب

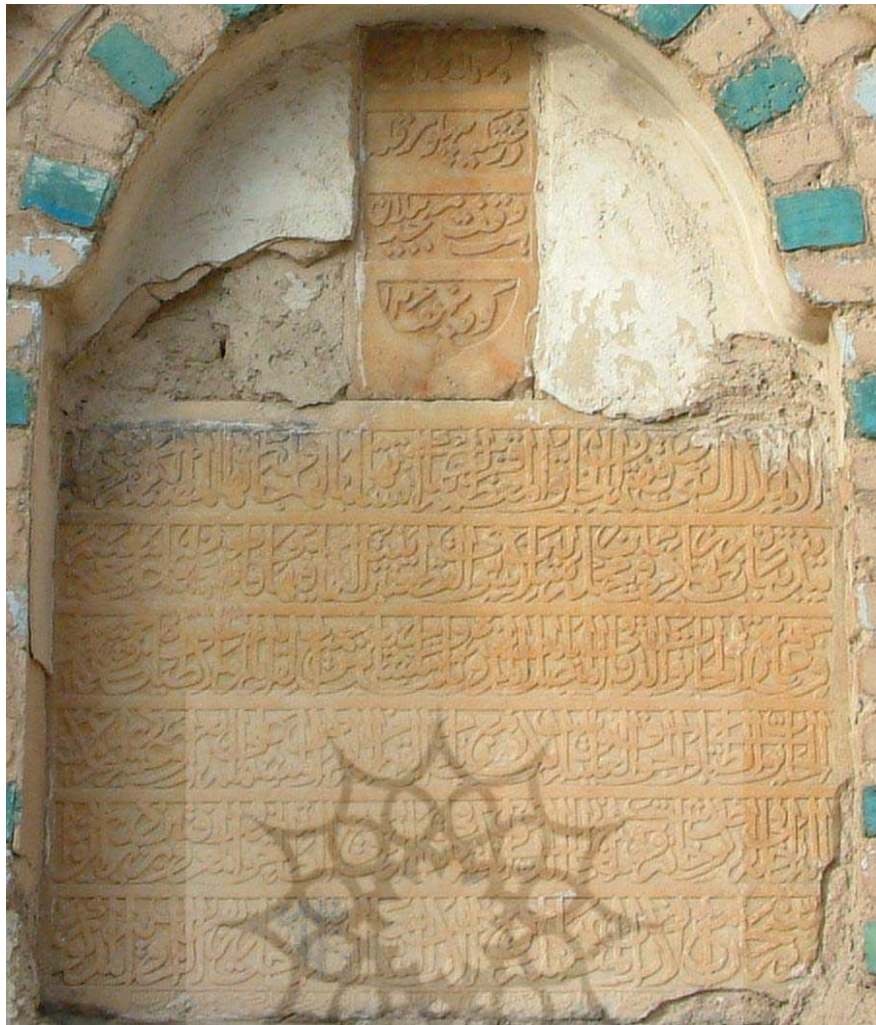
شیوه خط و نوع حجاری این کتیبه بسیار نزدیک و شبیه کتیبه های سنگی قرن دهم هجری در تبریز به ویژه کتیبه شاه تهماسب در مسجد جامع تبریز است و از این رو می توان گفت کتیبه فوق متعلق به دوران پیش از قاجار (احتمالا دوره صفوی) است. (تصویر شماره ۹)

در جوار گورستان قله، مسجدی قرار دارد که به مسجد بیلانکوه یا مسجد قله مشهور است. درباره تاریخ احداث بنا اطلاعات دقیقی در دست نیست. با توجه به سبک معماری بنا، ساختمان فعلی مسجد از آثار دوره قاجار محسوب می شود. مسجد دارای دو ستون سنگی با سرستون های مقرنس کاری شده سنگی در قسمت نمازخانه و شش گنبد آجری است. در قسمت سردر

در پایان متن عربی نوشته ای در یک سطر به خط نسخ

ریز به فارسی نقر شده است که دانسته نیست و بعدا در زمانی متاخر افزوده شده است یا در هنگام نقر متن آن را در میان متن جای داده اند. قسمتی از سطر اخیر نیز از میان رفته و آنچه برجای مانده عبارت زیر است :

[لعن] ت خدایتعالی و ملائکه برهر کس این شرط را



تصویر شماره ۹ - کتیبه سنگی مسجد قله (بیلانکوه)

متاخرتر بوده و ارتباطی به آن کتیبه ندارد. با در نظر گرفتن مضمون کتیبه عربی منصوب بر سر در مسجد بیلانکوه که طی آن املاک و مستغلاتی وقف یک زاویه (خانقاه) شده است و قدمت آن کتیبه که مقدم بر قدمت بنای فعلی مسجد است، وجود چند آجر لعاب دار آبی رنگ در نمای فعلی مسجد و نیز قرار داشتن بنای مسجد در عرصه قبرستان قله، دو فرضیه مطرح می‌گردد:

۱- بنای اولیه مسجد در اصل، خانقاه و یا مقبره یکی از بزرگان مدفون در گورستان قله بوده که پس از تخریب و ویرانی، به عنوان مسجد بازسازی و از آن استفاده شده و کتیبه نیز بر سر در بنای جدید نصب شده است.

۲- کتیبه مربوط به مقابر یکی از بزرگان مدفون در گورستان قله بوده که پس از تخریب مقبره سنگ نبشته

بر بالای سنگ نبشته بزرگ، کتیبه ای دیگر به ارتفاع ۳۹/۵ سانتی متر و عرض ۱۸ سانتی متر قرار گرفته است. جنس این سنگ نبشته نیز از سنگ مرمر است و متن آن در چهار سطر بروی سنگ حک شده است:

کربلایی زمان هرچور
درختیکه پهلوی قله
هست وقف مسجد بیلان
کوه نمود ۱۳۶

به طوری که در متن وقف نامه دیده می‌شود از تاریخ سنگ نبشته تنها سه رقم نقر شده، از این رو ممکن است به قرینه حذف معمول رقم هزار تاریخ مزبور را ۱۱۳۶ خواند اما ترکیب عبارت و شیوه خط این احتمال را دور می‌کند (رحیم لو، ۱۳۷۲: ۲۷۹). در هر صورت آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که کتیبه مذکور از کتیبه اصلی

است. البته وجود چند آجر لعاب دار در نما و اطراف کتیبه سردر مسجد نشان می‌دهد که ساختمان مسجد قبل از بازسازی در دوره قاجار، دارای تزئیناتی بوده است. استفاده از آجر لعابدار در مساجد دوره صفوی آذربایجان رایج بوده است. (تصویر شماره ۱۰)



تصویر شماره ۱۰ - نمونه ای از آجرهای لعاب دار در نمای مسجد قله (بیلانکوه)

در آن مبین رونق و شکوفایی این بخش از شهر در قرون هفتم تا نهم هجری هستند. اهم نتایج حاصل از این پژوهش به قرار ذیل است:

۱- آنچه که از بررسی منابع تاریخی درباره بیلانکوه به دست می‌آید، مبین اهمیت مقابر و مزارات واقع در آن است. این اهمیت بدان حد است که نام یک منطقه از شهر را نیز تحت تاثیر قرار داده و نام «بیلانکوه» یا «ولیانکوی» از آن الهام یافته است.

۲- مزارات بیلانکوه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: مزارات قله و مزارات باغ کمال. قدمت مزارات قله به قرون پنجم و ششم هجری می‌رسد ولی مزارات باغ کمال مربوطه به اوایل قرن نهم هجری به بعد و در نتیجه متاخرتر از مزارات قله هستند، از سوی دیگر

مذکور بر سردر مسجد واقع در قله نصب شده است. در کنار طرح فرضیه های فوق آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که کتیبه عربی منصوب بر سر در مسجد بیلانکوه وقفنامه ای مربوط به زاوی (خانقاه) یکی از بزرگان مدفون در گورستان قله بوده است. بنای فعلی مسجد در نمای بیرونی فاقد تزئینات خاص معماری

در نمای داخلی تزئینات موجود در قسمت تاق‌ها و محراب مربوط به مرمت‌های اخیر مسجد بوده و بنای قاجاری تزئینات خاصی نداشته و شامل ستونهای سنگی مقرنس کاری شده و گنبدهای آجری بوده است.

نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته به نظر می‌رسد بیلانکوه محله ای با قدمت قریب به یک هزار سال باشد، فاصله این محله از بافت تاریخی شهر تبریز، این فرضیه را مطرح می‌سازد که شاید بیلانکوه در حدود قرون چهارم و پنجم هجری روستایی در نزدیکی شهر تبریز بوده که به مرور زمان و با گسترش شهر به آن ملحق گردیده است. همچنین آثار تاریخی بجای مانده

- می‌توان وجود مزارات قله در بیلانکوه را زمینه شکل‌گیری مزارات باغ کمال را در نزدیکی آن دانست، علت برجستگی مزارات باغ کمال نسبت به مزارات قله را نیز می‌توان شهرت بزرگان ادب و هنر مدفون در مقابر باغ کمال تلقی نمود.
- ۳- با وجود گسترش شهر و ساخت و سازهای متعدد و نیز دخل و تصرف در قسمت‌های مختلف محله بیلانکوه، وجود آثار ارزشمند تاریخی که خوشبختانه اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده، شاکله و هویت تاریخی اصلی محله تا به امروز حفظ شده است.
- ۴- با توجه به مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده و وجود اطلاعات ارزشمند و درعین حال پراکنده از گذشته بیلانکوه در لابلای متون تاریخی، متأسفانه تاکنون بررسی و پژوهش جامعی در باره این محله انجام نگرفته است که با توجه به ظرفیت‌های موجود پژوهشی در این باره، نویسندگان این مقاله امیدوارند، نوشتار حاضر فتح بابی در این عرصه تلقی گردد و در آینده شاهد پرداختن به زوایا و موضوعات مختلف پژوهشی در باره محله تاریخی بیلانکوه و به ویژه رجال و مزارات آن باشند.
- منابع**
- آریان، قمر. (۱۳۶۲). **کمال الدین بهزاد**، تهران: فرهنگستان هنر
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۴). **سیمای سلطان محمد نقاش**، تهران: فرهنگستان هنر.
- ----- (۱۳۸۴). «نظام الدین سلطان محمد تبریزی»، **گلستان هنر**، دوره اول، شماره ۱، از ۱۱۲-۱۰۱.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۷۶). **مرات**
- البلدان، عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیانی، مهدی. (۱۳۵۳). **کتابشناسی کتابهای خطی**، حسین محبوبی اردکانی، تهران: انجمن آثار ملی.
- تبریزی، محمدکاظم بن محمد. (۱۳۸۸). **منظرالاولیاء**، میرهاشم محدث، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خجندی، کمال الدین مسعود. (۱۳۳۷). **دیوان کمال الدین مسعود خجندی**، عزیز دولت آبادی، تبریز: کتابفروشی تهران.
- حشری تبریزی، ملا محمدامین. (۱۳۷۱). **روضه اطهار**، عزیزدولت آبادی، تبریز: ستوده.
- رحیم لو، یوسف. (۱۳۷۲). **سنگ نبشته‌های آذربایجان**، تبریز: دانشگاه تبریز.
- دولت آبادی، عزیز. (۱۳۵۵). **سخنوران آذربایجان**، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ دانشگاه تبریز.
- سجادی، سیدضیاءالدین. (۱۳۵۵). **کوی سرخاب و مقبره الشعراى تبریز**، تهران: انجمن آثار ملی.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۴). **ایران عصر صفوی**، کامبیز عزیزى، تهران: نشر مرکز.
- طباطبائی تبریزی، محمدرضا. (۱۳۰۴ ه.ق). **تاریخ اولاد الاطهار**، چاپ سنگی.
- عالی افندی، مصطفی. (۱۳۶۱). **مناقب هنروران**، توفیق سبحانی، تهران: سروش.
- قاجار، نادر میرزا. (۱۳۷۳). **تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز**، غلامرضا طباطبائی مجد، تبریز: ستوده.
- کارنگ، عبدالعلی. (۱۳۷۴). **آثار باستانی آذربایجان**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ دوم.

- کربلائی تبریزی، حافظ حسین. (۱۳۴۴). **روضات الجنان و جنات الجنان**، جعفر سلطان القرائی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ اول.
- کریم زاده تبریزی، محمد علی. (۱۳۶۳). **احوال و آثار نقاشان قدیم ایران**، لندن: مولف، ج اول.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۶). **نزهة القلوب**، محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۵۲). **تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری**، تهران: انجمن آثار ملی.
- منشی قمی، قاضی میراحمد. (۱۳۵۲). **گلستان هنر**، احمد سهیلی خوانساری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی